

طراحی خانه موسیقی کودکان در تهران با تأکید بر روانشناسی رنگ

رضا زربخش^۱ و وحدانه فولادی^۲

^۱ کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران (نویسنده مسئول)

reza.zarbaksh17@gmail.com

^۲ گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

v.fooladi@ymail.com

چکیده

هدف از طراحی خانه موسیقی کودکان، نوعی آموزش همراه با تفریح و سرگرمی است که علاوه بر آموزش موسیقی برای تربیت کودک در رفتار، مهارت‌ها، آشنایی با فرهنگ موسیقایی و... مفید است. از نظر روانشناسان یکی از راه‌های موثر برای درمان اختلالات روحی و روانی کودکان، موسیقی و بازی است. موسیقی درمانی در کودکان باعث تغییر در خلق و خو و بهبود در رفتارهایی مانند لکنت زبان، نداشتن اعتماد به نفس، مشکل در رفتارهای اجتماعی و... می‌شود. همچنین مربیان موسیقی به کمک روانشناسان و پزشکان از موسیقی برای درمان بیماری‌هایی همچون اوتیسم، بی‌قراری و بیش‌فعالی استفاده می‌کنند. با توجه به اینکه در ایران موسیقی کودکان در آموزشگاه‌های موسیقی تدریس می‌شود و از متدهای مختلف و بعضاً نادرست استفاده می‌شود، وجود مرکزی که بتوان به عنوان یک منبع و مرجع اصلی برای تهیه و توزیع کتاب‌ها و متدهای درسی باشد و دوره‌هایی برای فارغ‌التحصیلان رشته موسیقی که علاقمند به کار با کودک هستند را فراهم کنند تا آن‌ها بتوانند نظر کارشناسان کودک را درک کنند و با توجه به متدهای مورد نظر این مرکز که تنها یک ساختمان نیست بلکه منبعی برای آگاهی مدرسین کودک نیز هست آشنا شوند. هدف از انجام تحقیق طراحی خانه موسیقی کودکان در تهران با تأکید بر روانشناسی رنگ بود. رنگ‌ها می‌توانند بر احساسات، تمرکز و حتی سلامتی افراد تأثیر بگذارند. مطالعات انجام شده در محیط‌های زندگی بزرگسالان و بویژه کودکان تأیید کرده‌اند که کاربرد رنگ‌های خاص باعث آرامش آنان می‌شود. کاهش سطوح استرس و بهبود یادگیری و حتی خلاقیت بهتر، کلی از پیامدهای دیگر کاربرد رنگ‌های خاص است.

کلیدواژه: روانشناسی، تنوع، جذابیت، مهد کودک

مقدمه

امروزه از مهمترین نمونها و دغدغه‌های جامعه، رشد، تعالی و پویایی انسان‌هاست. به عقیده‌ی بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت شخصیت هر انسان در هفت سال اول زندگی او شکل می‌گیرد. پس این مرحله از زندگی هر انسانی نقش تعیین‌کننده در آینده‌ی پیش روی او دارد و بی‌توجهی و سهل‌انگاری نسبت به آن می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد. دنیای کودکان، بی‌آلایش‌ترین و پاک‌ترین دنیای رنگین در طول زندگی انسان‌هاست. از این رو، هنرمندان موظفند برای برقراری ارتباطی مؤثر با این دنیای زیبا و ساده، حالت‌های روحی و روانی‌ایشان را شناسایی و آثاری متناسب با آنان ارائه دهند. کودکان برای رشد و پرورش، به آثار و محیط‌های رنگین مخصوص به خود نیازمندند. از این رو هنر بکارگیری رنگ، با توجه به نوع کاربردش در این راستا، نقش مهم و ارزنده‌ای را بر عهده دارد (سوهانگیر، ۱۳۹۱). این هنر همانگونه که به واسطه نیازهای جهان مدرن، در اماکن و مراکز مختلف وسعت یافته، نقش مهمی بازی می‌کند، در محیط‌های کودکان نیز سهم بسزایی دارد. طراحی علایم راهیابی برای بهم پیوستن تعداد روز افزون بخش‌های مجزا و تخصصی، امری ضروری است تا با توجه به آن‌ها و نقشه‌های طراحی شده قابل فهم برای کودکان، توسط معماران، بخش‌های مختلف شناسایی و مورد استفاده آنها قرار گیرند. در واقع، طراحی محیط با رویکرد روانشناسی رنگ، قادر است کودکان را به سمت محیط‌های خاص آنان ترغیب یا موجب دوری گردیدن از آنها گردد (ستاری، ۱۳۹۰). در این میان توجه به رنگ به عنوان یک عامل بیانی مؤثر در معماری، یکی از مهمترین محرک‌هایی است که تأثیری مستقیم بر روان و احساس کودکان باقی می‌گذارد و با انتخاب درست، موجب کاهش دغدغه‌های روانی و آرامش بخشی آنان می‌گردد. بدین ترتیب دانستن نظریه‌ها، ویژگی‌ها و روانشناسی رنگ در ارتباط با کودکان به منظور طراحی آثار موفق و مخصوص به آنان در محیط‌هایشان، برای طراحان امری لازم و حساس است. در این میان دانش معماری با هدف ارتقاء کیفیت فضاهای محیطی کودکان می‌تواند نقش بسیار مهم و سازنده‌ای را در تجدید حیات و توانمندسازی این فضاها ایفا نماید. در واقع، دانش معماری با رویکردهای زیبایی‌شناسانه، اجتماعی و محیطی سعی در ایجاد محیط‌های با نشاط، سرزنده و کارا در فضاهای محیطی کودکان دارد. یکی از فضاهای مورد توجه برای کودکان، خانه موسیقی کودکان است. برای ایجاد چنین فضایی لازم است ابتدا عناصر اصلی و سازنده یک اثر معماری (خانه موسیقی) با عناصر خلق‌کننده یک قطعه موسیقی، مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد و وجوه اشتراک و افتراق آنها بدست آید و ارتباط آنها با تزیینات فضای داخلی بوسیله رنگ‌آمیزی مشخص شود. در حالت کلی آنچه که از مقایسه مذکور حاصل می‌شود، این است که درک بصری، تخیل و تصویری که با شنیدن یک اثر موسیقی در ذهن کودک به وجود می‌آید، منجر به فضاسازی در معماری با استفاده از رنگ‌آمیزی می‌شود. در واقع یک موسیقی یا یک اثر می‌تواند ایده‌ای برای شروع یک طراحی باشد. عکس مطلب نیز قابل توجیه است؛ بدین معنا که وقتی انسان در یک فضای معماری قرار می‌گیرد، معمولاً ویژگی آن فضا در ضمیر ناخودآگاه او شنیده می‌شود؛ این همان تأثیری است که دو هنر معماری و موسیقی به طور متقابل بر هم می‌گذارند. این تأثیر از وجوه اشتراک آنها حاصل می‌شود که علاوه بر حالت فیزیکی، بر شرایط غیر فیزیکی این دو هنر دخالت دارد (یونگ، ۱۹۹۳). در طراحی یک خانه موسیقی بر مبنای درک کودک از فضا و با تأکید بر استفاده از رنگ در جداسازی و یا تلفیق فضاها با یکدیگر، عناصری مثل بیان، آواز، ریتم و حرکت مبنای قرار می‌گیرند که با گرایش به موسیقی، نمایش و حرکت به صورت تجربی، توانایی‌های ذهنی و جسمی، مهارت‌های شنیداری و رفتاری کودکان، ذوق تشخیص موسیقی و زیبایی‌شناسی آنها را تقویت می‌کند و بدین ترتیب استعداد کودکان را پرورش می‌دهد. با این وصف، توجه به مقوله خانه موسیقی کودک، به عنوان ابزاری برای آموزش و پرورش جسم و روح کودک، به معنای توجه به اعتلای جامعه و تلاش در جهت ساختن تمدن انسانی آینده خواهد بود. از دیگر سو، با در نظر گرفتن نقش روانشناسی رنگ بر روان کودکان چنین به نظر می‌رسد که توجه به این نیاز کودک در کنار دیگر نیازهای جسمی و روانی وی و پاسخ‌گویی مناسب و سازنده به این نیازها توسط محیط می‌تواند در رشد و یادگیری کودک تأثیر به‌سزایی داشته باشد (مختاری، ۱۳۹۶). بدین منظور، لازم است تا طراحی فضاهای خانه موسیقی کودکان منطبق با شرایط جسمی و روحی آنان و با تأکید بر کاربرد رنگ صورت گیرد.

روش شناسی

این پژوهش از نظر روش تحقیق بصورت کیفی و توصیفی-تحلیلی، و از نظر هدف کاربردی بود. جامعه آماری کودکان بین ۳،۵ تا ۷ سال بودند. پیدایش تحقیق کیفی به وجود عامل انسانی مربوط می‌شود. در این روش به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از چندین روش از قبیل تحقیق میدانی مشاهده یا مشارکت و مصاحبه که معمول‌ترین منابع‌اند و همچنین از شیوه‌های دیگر نظیر نمونه‌گیری غیر آماری، یادداشت برداری و نمایش روابط مفهومی به صورت دیاگرام نیز استفاده شده است. از این طریق اطلاعات دست اول را در مورد جهان اجتماعی مورد بررسی به دست آورده و به داده‌ها نزدیک شده و جنبه‌های مفهومی و تحلیلی خود را از داده‌ها به دست آورده این روش مستلزم انعطاف‌پذیری و تحمل در طول تحقیق می‌باشد و از طریق تعامل با مردم مورد مطالعه، یادگیری فرهنگ، عقاید، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری و زبان آنها می‌توان به هدف دست یافت. ابزار گردآوری داده‌ها بصورت مشاهده و مصاحبه بصورت شفاهی از متخصصین امر بود. در این تحقیق نیازهای سنین مورد نظر کودکان با توجه به جنسیت در نظر گرفته و جمع‌بندی کلی صورت گرفت. روش و ابزار تجزیه و تحلیل به صورت تحلیلی و در مواردی مقایسه‌ای صورت گرفته است.

نتایج

بررسی گرافیک محیطی کودکان با تمرکز بر روانشناسی رنگ

کودکان به سبب روحیه شاد خود، به ترکیبات نه چندان رقیق شده با سفید، از رنگ‌های مختلف دلبستگی دارند. علم روانشناسی رنگ در تأثیرگذاری، هدایت و آموخته کردن کودکان، کارایی بسیار دارد. شناخت دنیای کودکان و هماهنگ کردن آن با رنگهای مناسب، اثرگذاری در مدت کوتاهی را بدنبال داشته و زودتر نتیجه خواهد داد (سمیع پور، ۱۳۹۴).
رنگ‌ها از نظر روانی در دنیای کودکان معانی مختلف دارند و از میان آنها رنگ‌های:

- ۱- خاکستری: عدم فعالیت و گوشه گیری
 - ۲- بنفش: روحیه شاعران، رومان‌تیک، درونی غمناک
 - ۳- قهوه ای: نیاز شدید به آسایش روحی، علاقمندی شدید به خانواده
 - ۴- سیاه: بی علاقه‌گی به زندگی، نفی هر چیز، بدبینی، لجبازی و مرگ
- مناسب آثار و محیط‌های شاد و کودکانه نبوده و با استفاده نا به جا از آنها اثرات منفی در روان کودک باقی خواهد ماند.
و رنگ‌های:

- ۱- قرمز: شور و شوق زندگی در کودک، ایجاد تهور و قدرت اراده، نشاندهنده آرزوهای بسیار، خواهان عمل و کارایی
- ۲- زرد: پیشرفت بلامانع، امید به حل مشکلات، لذت غیرارادی از عمل
- ۳- آبی: خشنودی و آرامش
- ۴- نارنجی: شادابی، تحرک، رنگی وجدآور
- ۵- سبز: تقویت روحیه استقامت و پشتکار، اراده و بلندپروازی کودک.

در صورت استفاده صحیح و به جا، با توجه به کارایی و مفهومی‌شان، برای دنیای کودکان مناسب‌اند.
بکارگیری آنها در آثار کودکان موجب جلب توجه، جذب شدن کودکان و برقراری ارتباط مؤثر با آنان خواهد شد.

- ویژگی‌های گروه‌های رنگی

در این بخش ویژگی‌های گروه‌های رنگی را برشمرده و مناسب یا نامناسب بودن هر گروه رنگی برای کودکان را ذکر می‌کنیم.

۱- بی رمق، روشن و درخشان

طبیعت این گروه رنگی سبب می‌شود که به عنوان رنگ زمینه نقش کاملی را ایفا کنند و این امکان را فراهم می‌آورند که در صورت استفاده به عن وان پیش زمینه- هر چند دارای یک اشباع شدگی ضعیف و بی رمق هستند- جهت برجسته‌نمایی طراحی حروف استفاده گردند. گروه‌های رنگی تیره کمرنگ، تیره و خاکستری با این مجموعه همخوانی دارند، اما رنگ‌های

زنده از شدت این گروه می کاهند. انتقال روحیه ای احساساتی، حسی کودکانه، روشن، مسرت بخش و بکر از جمله ویژگیهای این گروه رنگی به شمار می آید. این رنگها به چشم ساده و راحت می آیند و این امکان را فراهم می کنند که موضوع به آرامی از درون تصویر عبور کند و به چشم ناظر برسد (بمانیان، ۱۳۹۲).

۲- رنگ های گرفته

این تونها که کمتر اشباع شده اند، بر اساس شفافیت به چهار گروه مخ تلف تقسیم می شوند و به دیگر رنگها خصوصاً تونهای عمیق، تیره و خاکستری برتری می بخشند. رنگهای زنده با رنگهای گرفته باید با احتیاط به کار برده شوند زیرا نیروی رنگهای زنده را تحت کنترل درمی آورند. این رنگها، طبیعی نیز نامیده می شوند زیرا حسی از پژمردگی، رایحه و عطر زمین و پوسیدگی درخت را به ذهن انتقال می دهند. این گروه رنگی از شادابی و نشاط لازم برخوردار نیستند و بدین دلیل برای استفاده در محیطهای کودکان نا مناسبند.

۳- رنگ های زنده

رنگهای زنده و روشن که دارای حالتی تپنده و پرشور می باشند، همواره در موقعیتهای خاص مورد استفاده قرار می گیرند. این رنگهای بسیار جذاب با توان ارتباطی زیاد، همان رنگهای خالص اولیه و ثانویه هستند. رنگهای نمادین عموماً رنگهای خالصند و در ترکیب با سفید، سیاه و خاکستری حالت نمادین خود را از دست می دهند. رنگ پرچم کشورها از رنگهای خالص با درجه نمود بالا می باشند. رنگهای مهیج که جزء این دسته قرار می گیرند بیانگر حالتی چون سرگرمی یا هیجان می باشند. بی دقتی در بکارگیری این گروه می تواند مشکل ساز باشد. یکی از مهمترین عوامل در ایجاد هیجانهای منفی یا خشونت، عدم تعادل و ناهماهنگی است. برای مثال رنگ قرمز که یک رنگ مهیج و پرنرژی است، اگر در شرایط محیطی نامناسبی از نظر رنگی قرار گیرد، برای روان ناخوشایند بوده و بیننده را دچار حالتی روحی نامساعد می نماید. این گونه فضاها خشونت و هرج و مرج را افزایش می دهند. تراز نبودن و نداشتن وضوح در برخورد رنگها از جمله مشکلات است. در پاره ای از تبلیغات از این ویژگی برای خلق تنش و تشدید حالات هیجانی به طور عمدی استفاده می شود. رنگهای آشفته روان را دچار انقباض و آشفنگی می کنند در این حال چشمان تربیت شده در جستجوی نظم و زیبایی می باشد. از این رو برای کاهش اغتشاش در جامعه، هماهنگی رنگها عامل تعیین کننده و مهمی به نظر می آید. برای ایجاد تونهای زنده، دو رنگ از سه رنگ اولیه بکار گرفته شده در چاپ با یکدیگر ترکیب می شوند و یکی از این دو می بایستی صددرصد باشد. احساس گرمسیری مانند تصاویر غیرجدی، فعال، احساساتی، خوشحال، قوی قوی مانند تصاویر زنده، خوشحال و شوخ، انفجاری. در اینجا از تضاد مابین رنگهای زنده استفاده می گردد، مانند: قرمز و سبز. این رنگها حس قدرت و انرژی را به ذهن می آورند و برای نمادسازی در پوستر بسیار مطلوبند. قرارگیری این رنگهای زنده در درون اشکال ساده و برجسته بسیار تأثیرگذار است. ترکیب کردن رنگهای ناب و بسیار درخشان، از میان رنگ های قوی و زنده، زیبایی را خلق می کند که رنگها در آن با یکدیگر در برخورد هستند و حسی از قدرت را تداعی می کنند. این رنگها برای دنیای پرنشاط و فعال کودکان در محیطهای بازی، پارکها، مکانهای ورزشی و از این دست، مناسبند (ستاری ۱۳۹۰).

۴- رنگ های تیره، سنگین، خاکستری

هر چه رنگها در هم آمیخته شوند از نظر روانی پیچیده تر می شوند. برای مثال رنگی چون سبز با درجات مختلف بیانهای متفاوتی دارد. فرضا رنگ سبز ساز رنگی سنگین و حکیمانه است و برای ارائه تصاویری سطح بالا و قدیمی که در آنها ذکاوتی نهفته است بکار می رود. حالاتی چون جدی، قدیمی و مستحکم بودن از رنگهای تیره، خاکستری، سنگین و عمیق به انسان منتقل می شود. از اینرو برای نمایش کالاهایی که ویژگی های مردانه و قدرت و پیچیدگی را مطرح می کنند از این گروه رنگها استفاده می شود. " این رنگها مناسب دنیای شاد کودکان و آثار مربوط به آنان نیستند. افراد به خصوص کودکان برای رسیدن به تعادل روحی و روانی نیازمند رنگهایی پرتحرک، شاد و زنده هستند. ارائه رنگهای تیره بدون توجه به مسائل زیبایی شناختی و روانشناختی رنگها، لطمات جبران ناپذیری را بدنبال خواهد داشت. افسردگی ها، افزایش حالات هیجانی منفی، نزاع های اجتماعی و پرخاشگری، آلودگی های دیداری، همه و همه پیامدهای تکرار بی منطق و خارج از

قاعده رنگهای تیره است. پس از آنکه رنگها از جنبه های متفاوت بررسی شدند و طرز بکارگیری و مناسب یا نامناسب بودن آنها برای کودکان ذکر شد، بخش بعدی به تأثیرات رنگهای بکار گرفته شده در آثار، بخصوص برای کودکان اختصاص داده شده است.

۵- تأثیرات رنگ ها

اینطور بنظر می رسد که توانایی افراد از نظر تشخیص و بخاطر سپردن رنگها متفاوت می باشد. دید افراد معمولی به غیر از رنگهای سفید و سیاه احتمالاً تنها به شش رنگ قرمز، زرد، آبی، سبز، نارنجی و قهوه ای عادت کرده است. علی رغم این محدودیت در شرایط مختلف، رنگ می تواند به عنوان یک عنصر شناسایی یا به عنوان یک شیوه کدگذاری مورد استفاده قرار گرفته و کم کم به کودکان آموزش داده شود. به عنوان مثال، رنگها بر روی ستونها یا دیوارهای نقاشی شده در یک پارکینگ می تواند به عنوان سیستم های راهنمایی کننده بشمار آمده و در شناسایی بخشهای مختلف کمک نمایند. کاربرد این کدگذاری در صورت تقویت به وسیله ارقام و حروف، نیاز حفظ کردن و به ذهن سپردن افراد را تعدیل می کند. رنگ می تواند حالات یا احساسات خاصی را در کودکان برانگیزد، این ویژگی مثبت رنگ بطور وسیع در گرافیک و طراحی محیطی و طراحی داخلی برای کودک مورد استفاده واقع می شود. به عنوان مثال دید بیننده نسبت به رنگ قرمز به عنوان یک علامت خطر یا ایست راهنمایی و رانندگی عادت کرده است. یک بیننده رنگ قرمز را به عنوان یک عامل بازدارنده قبول دارد. چراغهای قرمز(چشمک زن)، فلاش زن اتومبیلهای آتش نشانی و یا علائم ایست راهنمایی رانندگی، حتی کارت اخراج بازیکنان از زمین، این مسئله را ثابت می کند. همچنین دید بیننده نسبت به رنگ زرد به عنوان اخطار، به جهت کاربرد بسیار گسترده آن در محیط عادت کرده است که این آموزشها کم کم از طریق بزرگترها به کودک داده می شود. کاربرد صحیح رنگ برای کودک ایجاد یک پدیده بصری می کند، که در هنر دیداری، مورد استفاده قرار می گیرد. از تأثیرات رنگ می توان به سه جنبه روانی، تزئینی (زیبایی شناسی) و فرهنگی آن اشاره کرد. در بخش بعد، علاوه بر توضیح در مورد این سه جنبه به تأثیرات آن بر کودکان نیز پرداخته شده است.

رنگ های مناسب برای کودکان

۱- خانه (اتاق کودک)

کودک در اتاق خود جمعی از فعالیتهای اصلی اش را انجام می دهد. بنابراین نباید اتاق او را تنها برای یکی از فعالیتهاش مثل بازی کردن یا خوابیدن صرف، طراحی و رنگ آمیزی کرد. مناسب ترین رنگها برای اتاق وی رنگهای شاد و شفافند. "رنگهای روشن به چشم بچه ها با شکوه و زیبا هستند. برای دیوارها، کاغذ دیواری رنگی یا رنگهای شاد مناسب است. رنگهای شاد و شفاف تصور کودکان را برمی انگیزند و آنان را به آفرینش و خلاقیت تشویق می کنند. ترکیب رنگهای روشن هم خانواده (رنگهایی که روی چرخه رنگ کنار یکدیگرند) و تنالیده های روشن رنگها نیز آرامش را القا می کنند در نتیجه استفاده از آنها برای اتاق کودک توصیه می شود. برای دیوار اتاقشان باید از رنگهای مات (تا از خیرگی حاصل از انعکاس نور جلوگیری به عمل آید) و مانند آبی روشن، صورتی کم رنگ و... برای تختخواب کودک و هر آنچه در اتاق روشن استفاده کرد." او گردآوری شده نیز این نکته را نباید فراموش کرد که رنگهای تیره، سیاه، خاکستری و ... نامناسبند و از نظر روانی بر روحیه کودک تأثیر ناخوشایندی می گذارند (سوهانگیر، ۱۳۹۱).



شکل ۱. استفاده از رنگ شاد برای اتاق کودکان، مأخذ: Cafeax.ir

یکی از مسائل مهمی که در اتاق خواب کودک باید به آن توجه شود وضعیت نور اتاق است. بطور کلی، وضعیت نور اتاق خواب کودک، به لحاظ نیازهای خاص این سنین، توجه و حساسیت بیشتری نسبت به اتاق خواب بزرگسالان می طلبد. کودک نیز مانند فرد بزرگسال، باید نوری در اتاق خواب داشته باشد که هنگام روز، انجام کارهایی از قبیل پوشیدن لباس و پیدا کردن اشیا را به خوبی امکان پذیر کند، امکان تشخیص رنگ ها را به او بدهد و برای کارهایی همچون مطالعه و نقاشی مقدار کافی و جهت مناسبی داشته باشد. هنگام شب نیز باید آنقدر نور در اتاق باشد که کودک هم بتواند خوب استراحت کند و هم در صورت نیاز به برخاستن از تختخواب در نیمه شب توانایی تشخیص اشیا پیرامونش را داشته باشد. به هر حال دو مساله رنگ نور و شدت نور از مسائل مهم در محیط می باشند. "به طور مثال اگر نور نارنجی را به جسمی آبی بتابانیم آن جسم سیاه به نظر می آید زیرا در نور نارنجی، آبی وجود ندارد تا بتواند منعکس شود. این امر اهمیت نوع نور تابنده را نشان می دهد. با جسمی که در معرض تابش آن قرار گرفته نیز تغییر می کند. ۴۵ تغییر رنگ نور تابیده شده، رنگ ذاتی هر قدر نور سفیدتر باشد. رنگ ذاتی خالص تر دیده می شود. شدت نور نیز همانند رنگ آن حائز اهمیت است. نور نه تنها موجب رنگین دیده شدن اجسام می شود بلکه ضمناً حجم آن را نیز نمایان می سازد. سه نوع شدت نور متفاوت را می شناسیم که عبارتند از:

- نور تند،
- نور متوسط،
- نور ضعیف.

رنگ ذاتی اشیا، در نور متوسط واقعی تر به نظر می آید و جزئیات بافت و سطح در آن واضح تر دیده می شود. نور تند یا کامل، رنگ ذاتی را سفید می کند، در حالیکه نور ضعیف آن را تیره و نامشخص می نماید. نور رنگی منعکس شده از اجسام رنگی مجاور نیز آشکارا رنگ سایر اشیا را تغییر می دهد. یعنی علاوه بر تمام موارد ذکر شده باید برای طراحی گرافیک محیطی و محیط به تأثیر رنگها بر یکدیگر نیز مطلع بود. هر جسم رنگی، رنگ خود را در فضای مجاور منعکس می سازد. به عنوان مثال اگر این جسم قرمز باشد و نور قرمز ناشی از انعکاس آن بر روی جسم سفیدی در مجاورش بتابد، جسم سفید این انعکاس را نشان خواهد داد. اگر این نور قرمز به جسم سبزی بتابد، این سبز خاکستری خواهد شد، زیرا سبز و قرمز همدیگر را نابود می کنند. اگر نور قرمز به جسم سیاه بتابد نتیجه سیاه- قهوه ای خواهد شد. هر قدر سطح جسم صیقلی تر و صاف تر باشد واضح است که این انعکاسات بیشتر خواهد شد. با آگاهی از این موارد می توان اتاق و محیط مناسبی برای کودکان طراحی و رنگ آمیزی کرد. بطور مثال اگر دیوار اتاق کودک به رنگ سبز روشن است نباید از نور قرمز برای روشنایی استفاده کرد. چرا که موجب می شود دیوار تیره و سیاه به نظر آید و برای او کاملاً نامناسب باشد. به علاوه نور متوسط برای اتاقی که از رنگهای شاد و مناسب کودکان بهره برده، بسیار مناسبتر از نور کامل یا نور ضعیف است، چرا که رنگ اشیا در این نور واقعی ترند. اما اگر به ناچار اتاق و وسایل کودک تیره اند و او مجبور است در این اتاق فعالیت کند، بخواهد و ...، نور تند یا کامل مناسبتر می باشد، زیرا رنگ ذاتی را سفیدتر و روشن تر نشان می دهد. مثلاً اگر دیوار اتاق کودک آبی تیره است با نور تند، روشن تر به نظر می آید؛ هرچند که این رنگ مناسب اتاق کودک نیست (سمیع پور، ۱۳۹۴).

۲- مهد کودک (فضای جمعی کودک)

مهد کودک به عنوان یک مؤسسه تربیتی بسیار جدی و مهم به حساب می آید. اگر هدف کوتاه کردن زمان آموزش باشد تجربه کودکان یا مهد کودک بسیار مهمتر از زندگی در میان فامیل است. کودکان غیر از محیط آموزشی برای کودک، باید یک محیط تفریحی نیز بشمار آید. در این محیط اغلب آموزشها به طور مستقیم در حال بازی به کودک داده می شود. بنابراین عوامل زیبایی شناسی در آن باید طوری رعایت شود که کودک را به آموزش ترغیب کند از این رو و باید محیطی شاد و کودکانه و سرشار از انرژی به مدد رنگها و حجمهای زیبا پدید آورد. انتخاب رنگ برای محیط پرچرب و

جوش کودک عبارت از رنگهای اشباع شده می باشد. همچنین رنگهای متضاد و مکمل نیز که برانگیزنده و موجب پویایی اند برای این محیط مناسب می باشد. عامل رنگ در فضاهای آموزشی از چند نظر دارای اهمیت است:

- ۱- کودکان، از نظر روانی به طور مشهودی در مقابل رنگ عکس العمل نشان می دهند؛ مثل هیجان، آرامش، خستگی و...
- ۲- رنگ در تعریف فضاها بخصوص فضاهای مربوط به کودکان از نظر فرم و تکنیک نقش بسزایی دارد.
- ۳- به وسیله رنگ مقدار روشنایی داخل فضا قابل کنترل می گردد و ناراحتی های ناشی از خیرگی نور را کاهش می دهد. باید توجه داشت در فضایی با ارتفاع زیاد، انعکاس دیوارها دارای تأثیر بیشتری بوده و در فضایی با ارتفاع کم و طول و عرض زیاد انعکاس سقف نقش اصلی را ایفا می کند. جهت تأمین دید عادی و مناسب باید اختلاف درخشندگی سطوح یک فضا مورد کنترل قرار گیرد. از آنجایی که چشم کودکان در این محیط دائماً بین سطوح مختلف در حرکت است، تا حد ممکن باید سعی نمود اختلاف درخشندگی سطوح مختلف را در حد نسبتاً پایینی حفظ کرد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام تحقیق طراحی خانه موسیقی کودکان در تهران با تأکید بر روانشناسی رنگ بود. رنگ ها می توانند بر احساسات، تمرکز و حتی سلامتی افراد تأثیر بگذارند. مطالعات انجام شده در محیطهای زندگی بزرگسالان و بویژه کودکان تأیید کرده اند که کاربرد رنگ های خاص باعث آرامش آنان می شود. کاهش سطوح استرس و بهبود یادگیری و حتی خلاقیت بهتر، کلی از پیامدهای دیگر کاربرد رنگ های خاص است. امروزه رنگ درمانی (chromo therapy) برای مطالعه تاثیرات مثبت رنگ روی یک ارگانیزم به کار می رود. هرچند اثر رنگ بر یک عضو خاص به دشواری قابل اندازه گیری است، به هر حال یک روانشناسی عمومی رنگ وجود دارد. گوته بیش از این درباره ویژگی رنگ و تأثیرات آن روی انسان در زمان خویش مطالبی را نوشته بود. هلر در کتاب خود با عنوان "روانشناسی رنگ" (۱۹۸۹) بیان می کند که احساس ها یا واکنش هایی که به وسیله رنگ پدید می آیند، تجربه ای جهانی و نه شخصی هستند و با عوامل فرهنگی، انسان شناختی و حتی زیستی پیوند داده می شوند. به عقیده هلر (۱۹۸۹) رنگ ها واکنش ها و تداعی های غیرارادی و ناخودآگاه را برمی انگیزانند؛ برای مثال اشارات به طبیعت مانند جنگل سبز یا دریا آبی را برمی انگیزانند. هر فرهنگی به رنگ ها معانی نمادین ویژه ای می دهد و اغلب این معانی با هم منطبق و سازگارند. رنگ های گرم و شاد مانند نارنجی متمایل به قرمز و زرد به عنوان رنگ های جذاب و طرب انگیز معرفی شده، در حالی که آبی سرد و سبز به عنوان رنگ های آرام بخش در نظر گرفته می شوند. انتخاب رنگ در طراحی فضاهای داخلی رویکردهای مختلفی را ایجاد می کند و بیشتر از هر عامل دیگری می تواند به دلنشینی و سرزندگی و در کل مطلوبیت فضا کمک کند. رنگ در معماری، تعاریف ویژه و جدیدی برای فضا ارائه می دهد که آگاهی نداشتن از این مسئله می تواند تأثیرات نامطلوب روحی و روانی در پی داشته باشد. با مطالعه بر روی رنگ ها و شناخت دقیق ویژگی ها و خصوصیات آن و استفاده مناسب و اصولی از آنها در فضاهای داخلی (که مستلزم شناخت کافی در این زمینه است) می توان میزان رضایت افراد در فضاهای داخلی را افزایش داده و با بالا رفتن این احساس رضایت و آرامش، فضاهایی ایجاد کرد که باعث فزونی سلامت و نشاط روح و روان و کاهش آشفتگی و تشویش ذهنی و روحی و کسالت و خستگی در افراد شود (بمانیان، ۱۳۹۲). همچنین برخی مطالعات نشان می دهد که ارتباط مستقیمی بین آرامش روحی و نشاط و احساس رضایت بین طرح معماری و موسیقی وجود دارد. لذا در این پژوهش سعی شده است تا یک فضای معماری که با روح موسیقی تلفیق شده است و در عین حال تأکید بر روانشناسی رنگ بمنظور برآورد نیاز روحی روانی کودکان دارد طراحی گردد.

منابع

- سوهانگیر، سارا و نوروز برازجانی ویدا (۱۳۹۱) مطالعه تطبیقی پیوند مفهومی میان فضای موسیقی و معماری در دوران پیش از مدرن و پس از آن در جهان غرب. باغ نظر شماره ۲۳، زمستان ۹۱: ۳۳-۴۶.
- سمیع پور، تیمن و سیدیان، سیدعلی (۱۳۹۴) تعبیر عناصر موسیقی و معماری با زبان مشترک نمونه موردی موسیقی و معماری سنتی ایران، مطالعات تطبیقی هنر، ش ۱۱ (بهار و تابستان ۹۵).

- بمانیان، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی؛ امیرخانی، آرین (۱۳۹۲)، تبیین چارچوبهای نظری موثر در طراحی محیطهای یادگیری کودکان دبستانی در ایران، پایان نامه دکترای تخصصی، تهران، دانشکده هنر و معماری - دانشگاه تربیت مدرس.
- ستاری، حسن و شاهد، مه لقا (۱۳۹۰) بررسی وجوه تشابه مفاهیم موسیقی ایرانی و معماری با ایرانی نمونه موردی باغ فین کاشان، معماری و شهرسازی آرمانشهر، ش ۹، (پاییز و زمستان ۹۱): ۹۷-۱۱۰.
- مختاری دو پلانی، عصمت و فرجی، کیانوش (۱۳۹۶) تحلیل زیبا شناختی و تعامل موسیقی و معماری و نقش آنها در ایجاد حس مکان، کنفرانس بین المللی فناوری نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی.
- Young, G, Bancroft, T, Sanderson, M. Seeking Useful Correlations between Music & Architecture. Leonardo Music Journal. Vol.3(1993):pp.39-34